

## استراتژیهای ترجمه

### لارنس ونوتی

لارنس ونوتی نظریات جنجال برانگیز خود درباره ترجمه و روشهای آن را به طور مبسوط در کتاب "نامرئی بودن مترجم"<sup>۱\*</sup> توضیح داده است. در این کتاب ونوتی تاریخ ترجمه غرب از قرن هفدهم تا عصر حاضر را تحلیل می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه فصاحت و روانی بر سایر استراتژیهای ترجمه غلبه داشته و مترجمان پیوسته کوشیده‌اند خود را در ترجمه پنهان کنند و البته این کار به قیمت از دست دادن ویژگیهای زبانی متن مبدأ و تحریف ارزشهای فرهنگی آن بوده است. برای آن که خوانندگان مترجم با نظرات لارنس ونوتی درباره ترجمه و روشهای ترجمه بیشتر آشنا بشوند و گفتگویی ما با ایشان سودمندتر باشد، مقاله کوتاه زیر را که به قلم خود ایشان است در اینجا می‌آوریم. ونوتی در اصل این مقاله را برای *دایرةالمعارف ترجمه* (زیر چاپ) نوشته است.

#### ۱- مقدمه

شاید بتوان استراتژیهای مختلفی را که مترجمان از عهد باستان تا کنون به کار گرفته‌اند، به دودسته عمده تقسیم کرد. گاه ترجمه بر اساس ارزشهای غالب در فرهنگ خودی صورت می‌گیرد. در اینجا مترجم روشی محافظه کارانه پیش می‌گیرد تا متن را در فرهنگ خودی جذب کند. او با در نظر گرفتن قوانین حاکم بر چاپ و نشر در کشور، در متن چندان تصرف می‌کند تا متن با اصول سیاسی و ارزشهای فرهنگ خودی سازگار شود. برعکس، گاه مترجم در برابر اصول و قوانین و ارزشهای غالب در فرهنگ خودی مقاومت می‌کند و به ترجمه متونی می‌پردازد که فرهنگ خودی آنها را نمی‌پذیرد و با این کار راهی نو می‌گشاید و ارزشهای جدید ایجاد می‌کند. پس ترجمه اساساً در پاسخ به نیاز فرهنگ خودی است، ولی گاه مترجم به عمد بر متن خارجی جامه خودی می‌پوشاند و گاه از ارزشهای غالب در جامعه فاصله می‌گیرد تا تفاوت‌های زبانی و فرهنگی میان متن مبدأ و ترجمه را حفظ کند و با این کار به ترجمه جلوه‌ای خارجی ببخشد. با این ترتیب، استراتژیهای ترجمه را به دو نوع عمده می‌توان تقسیم کرد: استراتژی غرابت‌زدایی (domestication) و استراتژی آشنایی‌زدایی (foreignization). اینک به اختصار به شرح هر یک می‌پردازیم.

#### ۲- استراتژی غرابت‌زدایی

مترجمان از عهد رم باستان تا کنون استراتژی *غرابت‌زدایی* را به کار می‌گرفته‌اند. از زمانی که، به تعبیر نیچه، "ترجمه نوعی استیلا" بود و شعرای لاتین‌زبان همچون هوراس متون یونانی را به زبان رومی عصر خود ترجمه می‌کردند و نه تنها نشانه‌های خاص فرهنگی را از متون می‌زدودند بلکه اشاراتی به فرهنگ روم نیز در متون

\* *The Translator's Invisibility* (1995)

می‌گنجاندند و نام خود را به جای نام شاعران یونانی می‌آوردند و ترجمه را چنان می‌پرداختند که گویی در اصل به لاتین نوشته شده است.

استراتژی غرابت‌زدایی در میان مترجمان فرانسوی و انگلیسی بخصوص در اوایل عهد جدید بسیار متداول بوده است. غرابت‌زدایی در نظراین مترجمان عبارت بود از پای بندی به ملاکهای ادبی. این پای بندی هم در انتخاب متن برای ترجمه و هم در انتخاب روش ترجمه انعکاس می‌یافت. دابلانکور<sup>۱</sup> یکی از مترجمان پرکار فرانسوی که در قرن هفدهم از یونانی و لاتین ترجمه می‌کرد، گفته بود نثر موجز را باید به سبک آزاد ترجمه کرد و توضیحاتی بر ترجمه افزود و عبارات معترضه را از متن زدود تا "بر لطافت زبان ما و استواری خرد ما خدشهای وارد نشود." ارزشهای خودی که دابلانکور بر متن تحمیل می‌کرد، مأخوذ از فرهنگ ادبی اشرافیت بود ولی در واقع ارزشهای ملی نیز به شمار می‌آمد. مترجم انگلیسی سیرجان دنهام تحت تأثیر دابلانکور کتاب *دوم انه تید* را به مثنوی حماسی ترجمه کرد زیرا مدعی بود که "اگر لازم است ویرژیل به زبان انگلیسی سخن بگوید، شایسته است که همچون مردی متعلق به این ملت و وابسته به این عصر سخن بگوید." از نظر دابلانکور و سیرجان دنهام غرابت‌زدایی از متن به نوکردن زبان متن ختم نمی‌شد. هر دو مترجم می‌کوشیدند ضمن ایجاد هویت‌های فرهنگی برای ملت خودشان براساس فرهنگهای باستانی، معیارهای ادبی طبقه برگزیده جامعه خود را پاس بدارند.

عوامل اقتصادی‌گاه در غرابت‌زدایی ترجمه مؤثر است اما این عوامل همیشه از اوضاع سیاسی و فرهنگی روز جامعه نشأت می‌گیرد. موفقیت چشمگیری که ترجمه رمان نویسنده ایتالیایی امبرتو آکو با نام *The Name of the Rose* به دست آورد، باعث شد که ناشران آمریکایی در نمایشگاههای بین المللی کتاب در پی کسب حق امتیاز ترجمه متون خارجی مشابه برآیند. اما عاملی که بیش از هر چیز در موفقیت این ترجمه نقش داشت این بود که خوانندگان آمریکایی علاقه مند به داستانهای عاشقانه و داستانهای اسرارآمیز خیالی با نوع داستان امبرتو آکو آشنا بودند. همچنین ترجمه رمانهای نویسنده ایتالیایی جوانی گوارشی در دهه ۵۰ و ۶۰ در آمریکا بسیار محبوب بود چون طنزهای اجتماعی او از زندگی روستاییان ایتالیا از ارزشهای دموکرات مسیحی دفاع می‌کرد و این در دوران جنگ سرد به مذاق آمریکاییها که تحت تأثیر تبلیغات ضد کمونیستی قرار داشتند خوش می‌آمد. شخصیت اصلی اولین کتاب گوارشی که به نام *دنیای کوچک دون کامیلو* به انگلیسی ترجمه شد، کشیشی است که مدام با شهرداری کمونیست به بحثهای خنده‌دار ایدئولوژیک می‌پردازد و همیشه هم پیروز بیرون می‌آید.

روش خود غرابت‌زدایی غالباً در خدمت اهداف امپریالیستی، حرفه‌ای، کلیسایی و دیگر اهداف فرهنگی بوده است. سرویلیام جونز، رئیس انجمن آسیایی و مدیر شرکت هند شرقی در سال ۱۷۹۹ کتاب *قانون هند*<sup>۲</sup> را به انگلیسی ترجمه کرد تا این توهم نژادپرستانه و استعماری را القا کند که هندیها مفسرین قابل اعتماد فرهنگ خودشان نیستند غرابت‌زدایی یوجین نایدا، روش غرابت‌زدایی را در خدمت ترویج مسیحیت در آورده است. او که با سازمانهای مختلف مسیحی کار می‌کند مشاور ترجمه‌های بی‌شماری از انجیل بوده است، ترجمه‌هایی که به گفته خود نایدا "دریافت کننده پیام را با حالات رفتاری مربوط به بافت فرهنگ او مرتبط می‌کند." همچنین ترجمه چند جلدی نوشته‌های فروید به انگلیسی که با عنوان "نسخه معیار" شناخته می‌شود، اندیشه‌های فروید را با یوزتیوسم حاکم بر علوم انسانی در فرهنگ آمریکایی همگون ساخته و بدین ترتیب در روان‌شناسی دانشگاهی و حرفه پزشکی راه را برای پذیرش روانکاوی هموار کرده است.

## ۳- استراتژی آشنایی زدایی (foreignization)

استراتژی آشنایی زدایی نخستین بار در دوران رومانتیسیسم و کلاسیسیسم در آلمان به کار گرفته شد. شاید نخستین کسی که در این باره رأی بیان کرده، فیلسوف و حکیم آلمانی فریدریش شلماخر باشد. شلماخر در سال ۱۸۱۳ در سخنرانی با عنوان "درباره روشهای مختلف ترجمه" گفت: "دوروش در ترجمه وجود دارد، یا مترجم تا حد امکان نویسنده را به حال خود می‌گذارد و خواننده را به سوی او می‌کشاند و یا خواننده را در آرامش خود رها می‌کند و نویسنده را به سوی او می‌کشاند." شلماخر اذعان می‌کند که غالب ترجمه‌ها به روش غربایت زدایی صورت می‌گیرد، اما روش مطلوب شلماخر روش آشنایی زدایی است، روشی که تفاوت‌های زبانی و فرهنگی متن اصلی را حفظ می‌کند و خواننده را وامی‌دارد تا به دیار نویسنده سفر کند.

نظریه پرداز فرانسوی آنتوان برمن، نظر شلماخر را اصل اخلاقی ترجمه می‌نامد و متن ترجمه شده را جایگاهی می‌داند که در آن فرهنگ غیر تجلی می‌یابد، هر چند تجلی این فرهنگ نه با الفاظ زبان آن، که با الفاظ زبان مقصد باشد. روش آشنایی زدایی هر چند رنگ خارجی به ترجمه می‌بخشد، نیازی ملی را برمی‌آورد زیرا از آن می‌توان برای دستیابی به اهداف فرهنگی یا سیاسی سود جست. از نظر شلماخر این روش در تقویت جنبش ملی پروس در دوران ناپلئون بسیار مؤثر بود. شلماخر معتقد بود با این روش می‌توان ادبیات آلمانی را از زیر نفوذ زبان فرانسه، که آن زمان بر فرهنگ آلمان غلبه یافته بود، آزاد کرد و زبان آلمانی را که تقدیر تاریخی‌اش این بود که عالمگیر شود غنا بخشید. شلماخر ترجمه را محمل تفاوت‌های فرهنگی می‌دانست و روشی را توصیه می‌کرد که تسلیم معیارهای فرهنگ خودی نمی‌شد. روش آشنایی زدایی با اتخاذ موضعی مخالف در برابر فرهنگ خودی، اصول حرفه‌ای، معیارهای ادبی و ضوابط اخلاقی حاکم بر این فرهنگ را نادیده می‌گیرد. در قرن بیستم نظریه پردازان آلمانی رودلف پانویتز و والتر بنیامین روش آشنایی زدایی را احیا کردند و آن را همچون وسیله‌ای برای ایجاد ابداعات فرهنگی به کار گرفتند. از نظر پانویتز، "مترجمی که زبان خودی را در همان وضعیتی که بوده نگاه می‌دارد و اجازه نمی‌دهد از زبان خارجی تأثیر بپذیرد، مرتکب خطایی بنیادی می‌شود."

در آلمان مترجمانی که روش آشنایی زدایی را پیش گرفتند به متن اصلی پای‌بندی نشان می‌دادند و این منجر به ورود قالب‌های ادبی خارجی و تقویت لهجه‌های مختلف شد. هاینریش واس در سال ۱۷۸۱ *اودیسه وایلیاد* را به شعر شش وتدی برگرداند و این قالب عروضی را وارد شعر آلمانی کرد و تحسین گوته را برانگیخت. ترجمه‌های هولدرلین از *آنتی‌گون* و *اودیپ شاه* از زبان باستانی و لهجه‌های عامیانه کمک می‌گرفت. هولدرلین می‌دانست که خواننده ممکن است ترجمه‌های او را درک نکند، اما برای آشنایی او با کتب غیرخودی، ترجمه‌هایش را به زبان متفاوت با زبانی معیار و برخلاف موازین ادبی عصر خود می‌نوشت.

روش آشنایی زدایی مستلزم انتخاب متن مناسب و اتخاذ روش مناسب برای ترجمه آن است، روشی که مغایر با ارزشهای فرهنگی و ادبی حاکم باشد. در قرن هجدهم، در انگلستان، جان نات برخلاف تمایل و سلیقه حاکم در آن زمان که متون حماسی و طنز را ترجمه می‌کردند، به نشر ترجمه‌هایی از اشعار عاشقانه و عارفانه دست زد و با این کار معیاری جدید برای ادبیات خارجی وضع کرد. او در این دوران مجموعه‌هایی از پترارک، حافظ، بونفونیوس، کتالوس و پروپرتیوس به چاپ رساند. او با "پای‌بندی و سواس آمیز به نزاکت" مخالف بود. این پای بندی او را وامی‌داشت که برخی اشارات صریح موجود در اشعار کتالوس را که خلاف عفت می‌دانستند حذف کند. جان نات معتقد بود تاریخ نباید تحریف شود.

## ۴- مقایسه دو روش آشنایی‌زدایی و غرابت‌زدایی

استراتژیهای ترجمه را گاه می‌توان با مقایسه ترجمه‌های مختلف از متنی واحد به روشنی نشان داد. برای مثال در دهه ۱۹۶۰، دو مترجم آمریکایی نورمن شاپیرو و پل بلک برن گزیده‌هایی از شعر شاعران دوره گرد پرووانس را ترجمه کردند. به ترجمه این دو شاعر از بند اول شعری سروده فایدیت توجه کنید:

**ترجمه شاپیرو**  
A knight was with his lady fondly lying-  
The one he cherished most-and gently sighing  
As he kissed her, complained: My love, the day  
Soon will arrive, chasing this night away.

Alas!

Already I can hear the watchman crying:

Begone!

Quickly, begone! You may no longer stay,  
For it is dawn.

**ترجمه بلک برن**

A knight once lay beside and with  
the one he most desired,  
and in between their kisses said,  
what shall I do, my sweet?  
Day comes and the knight goes

Ai!

And I hear the watcher cry:

Up! On your way!

I see day

coming on, sprouting behind the dawn!

شاپیرو روشی غرابت‌زدا به کار گرفته است. واژگان ترجمه او، مثل *cherished*, *begone*, هرچند واژگان مهجور به عاریت گرفته شده از اشعار قرن نوزدهم است، برای خواننده امروزی قابل فهم است. ترجمه شاپیرو از نظر قافیه و وزن به شعر آهنگین فایدیت نزدیک است اما او در واقع متن اصلی را به نحو مؤثری در فرهنگ آمریکایی وارد کرده زیرا قالب ترجمه او شبیه قالب سروده‌های مورد علاقه برخی شعرای آمریکایی از قبیل رابرت لاول و ریچارد ویلبر است. این دو شاعر در دهه ۱۹۶۰ شهرتی ملی کسب کرده بودند. برخلاف شاپیرو، بلک برن روش آشنایی‌زدایی به کار گرفته است. واژگانی که به کار برده مخلوطی است از غیر مستعمل (مثل *lie with* به معنی عشق بازی کردن) و واژگان زبان محاوره (مثل *coming on, in between*) و کلمات خارجی (مثل *ai*). اگر چه ترجمه بلک برن تا حدی وزن و قافیه دارد، این ترجمه به شعر آزاد شعرای تجربی مانند رابرت کریلی و چارلز اولسون که در آن زمان در حاشیه فرهنگ ادبی آمریکا قرار داشتند نزدیکتر است. ترجمه شاپیرو براساس ارزشهای ادبی حاکم بر جامعه است و مقبول بودن این ارزشها در نظر خواننده این تصور را در او ایجاد می‌کند که ترجمه شاپیرو ترجمه‌ای دقیق است. ترجمه بلک برن بر ارزشهای فرهنگی کم‌اهمیت‌تر تکیه کرده و از غرابت زبان آن به راحتی می‌توان دریافت که به فرهنگی دیگر و عصری دیگر تعلق دارد. تمایز میان این دو ترجمه از آنچه مترجمان به ترجمه افزوده‌اند بهتر روشن می‌شود. شاپیرو با افزودن عباراتی مثل *gently sighing* و *complained* تصویر آشنای عاشق آداب‌دان و شیفته را با وضوح بیشتر نمایش می‌دهد، اما بلک برن با استفاده از جناس بین دو کلمه *night* و *knight* و نسبت دادن فعل *sprout* (رویدن) به آفتاب بر غرابت شعر می‌افزاید.

به طور کلی استراتژی آشنایی‌زدایی در ترجمه متون ادبی به کار می‌رود و استراتژی غرابت‌زدایی در ترجمه متون فنی. هدف از ترجمه متون فنی این است که خواننده متن را بی‌هیچ ابهامی درک کند، پس ترجمه به زبان معیار و با استفاده از واژگان متداول علمی صورت می‌گیرد. برعکس، در روش آشنایی‌زدایی هدف مترجم انتقال تأثیرات زبانی است که با زبان رایج تفاوت دارد. این تأثیرات براساس ارزشهای ادبی حاکم سنجیده می‌شود. بدین ترتیب، مترجم ادبی بر مبنای تحلیل خود از فرهنگ حاکم بر جامعه، متنی را برای ترجمه برمی‌گزیند و سپس به شیوه تجربی روشی برای ترجمه آن انتخاب می‌کند. ■